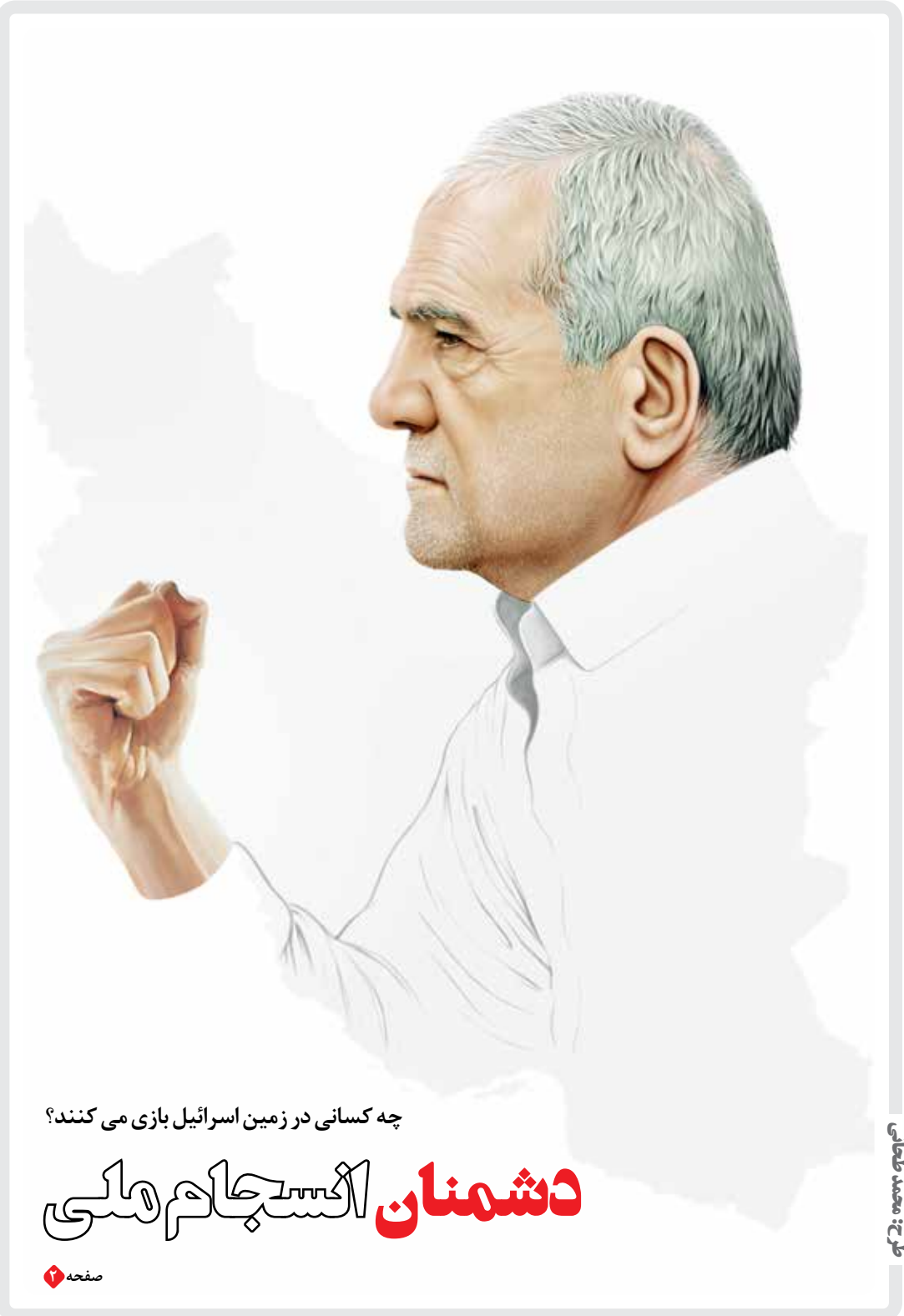




چه کسانی در زمین اسرائیل بازی می کنند؟

دشمنان استکبارالملی

صفحه ۱



آنچه هورالعظیم را به حال امروز انداخته‌است

«هور»، آتش و دود و دیگر هیچ...

صفحه ۲



آوارها پیش از موشک ها آمده بودند!

حال وخیم بیمارستان‌ها

صفحه ۳



اروپا بر لبه تصمیم تاریخی قرار گرفته است

بازی با ماشه

اروپا امروز در سایه آتش‌بس شکننده خاورمیانه، نه تنها در گیر نقشی دیپلماتیک کهن، بلکه درگیر بازی تازه‌ای است؛ وضعیتی که مکانیسم ماشه را به معادلی سیاسی هم‌وزن فشارهای نظامی و تحریمی آمریکا و اسرائیل بدل کرده است.

در برجام مکانیزمی به نام بازگشت خودکار تحریم‌ها یا «اسنپ‌بک» وجود دارد که به امضاکنندگان اولیه توافق اجازه می‌دهد به‌صورت یک‌جانبه و دائمی، همه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را به وضعیت اولیه و قوی‌تر پیش از توافق ۲۰۱۵ بازگردانند. از آن جا که ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ از توافق خارج شد، مسئولیت استفاده از مکانیزم بازگشت تحریم‌ها به دیگر امضاکنندگان غربی برجام یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان واگذار شده است. اما این سه کشور تاکنون از اجرای این گزینه خودداری کرده‌اند.

مکانیزم اسنپ بک هم‌زمان با دیگر تحریم‌های سازمان ملل در تاریخ ۱۸ اکتبر منقضی می‌شود، اما غرب در عمل حتی این‌قدرها هم وقت ندارد. از لحظه‌ای که روند اسنپ بک آغاز می‌شود، بازگشت تحریم‌ها ۳۰ روز زمان می‌برد، مدت‌زمانی که ممکن است به‌واسطه روندهای اداری و بحث‌های شورای امنیت طولانی‌تر هم شود. به همین دلیل، ضرب‌الاجل واقعی برای اقدام، نزدیک به ۱۰ سپتامبر خواهد بود.

مکانیزم اسنپ بک با یک تهدید جدی دیگر در شورای امنیت روبه‌روست؛ چرخش ماهانه ریاست شورای امنیت. هر ماه یکی از اعضای شورا ریاست آن را برعهده می‌گیرد و کنترل فرآیندهای کلیدی، از جمله اجرای اسنپ بک، در اختیار او قرار می‌گیرد. روسیه قرار است در ماه اکتبر ریاست شورا را برعهده گیرد و قطعاً تلاش خواهد کرد تا اگر اسنپ بک در سپتامبر آغاز شود، آن را مسدود یا تضعیف کند. از سوی دیگر، پاکستان در ماه جولای ریاست شورا را دارد و ممکن است بخواهد منافع ایران را تأمین کند.

در همین زمینه امید محسنی در بر نا می‌نویسد: در حالی‌که آتش‌بس شکننده پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، وضعیت خاورمیانه را در تعلیق نگه داشته، اروپا با بیابیه‌ای تازه در قالب «لنکستر هاوس ۲» بدون اشاره مستقیم به تهدیدهای فزاینده درباره مکانیسم ماشه، در حال تعریف نقشی تازه است. باز‌یگری که دیگر فقط نگران صلح نیست، بلکه خود را آماده ورود به بازی فشار کرده است.

شرح در صفحه ۱



اگر توافق شود قیمت دلار به کمتر از ۸۰ هزار تومان هم می‌رسد

نگاه قیمت ارز به تحولات

صفحه ۱

اقتصاد آزاد می توانست سیستم سیاسی را پاسخگو کند

اقتصاد پشت چراغ قرمز

سیاست!

صفحه ۸

بررسی گزارش‌ها از میزان خسارات وارده به تأسیسات هسته‌ای ایران در حمله آمریکا:

نبرد مهندسی بتن ایرانی و مهندسی بمب آمریکایی

برای کاهش آسیب‌پذیری است. این اقدامات، همراه با فقدان اطلاعات دقیق درباره خسارات، که DTRA نیز به آن اذعان کرده، نشان‌دهنده چالش‌های اطلاعاتی آمریکا در ارزیابی اثربخشی حملات است. در مقابل، ادعای دونالد ترامپ مبنی بر «نابودی کامل» برنامه هسته‌ای ایران، که در «فاکس نیوز» (برای مثال) به‌طور گسترده‌ای به چالش کشیده شده، به نظر می‌رسد بیشتر برای مصرف داخلی باشد. این شکاف بین اظهارات سیاسی و واقعیت‌های اطلاعاتی، اعتبار ادعاهای آمریکا را تضعیف کرده است.

در همین حال پیشرفت ایران در مهندسی تأسیسات زیرزمینی، نه‌تنها یک دستاورد فنی، بلکه یک اهرم استراتژیک در برابر فشارهای نظامی غرب است. این برتری می‌تواند ایران را در موضع قوی‌تری در مذاکرات دیپلماتیک قرار دهد، زیرا تهران نشان داده که حتی پیشرفته آمریکا نمی‌توانند برنامه هسته‌ای آن را متوقف کنند. آیا این مقاومت، به تغییر دکترین نظامی آمریکا منجر خواهد شد یا ایران را به سمت تسریع برنامه هسته‌ای سوق خواهد داد؟

چشم‌انداز ژئوپلیتیک: پیامدهای ناکامی و آینده روابط ایران و آمریکا

محدودیت‌های فنی آمریکا و مهندسی بتن های ایرانی به هم برترنابند، زیرا ناکامی نظامی آمریکا نتیجه ترکیبی از فناوری پیشرفته ایران و ناتوانی تسلیحات آمریکا در نفوذ به اعماق است. این اقدام نظامی، پیامدهای گسترده‌ای برای روابط ایران و آمریکا و توازن قدرت منطقه‌ای دارد. این ناکامی، به‌ویژه با توجه به هزینه‌های بالای عملیات، پرسش‌هایی درباره کارایی استراتژی نظامی آمریکا ایجاد کرده است. در مجموع از منظر ژئوپلیتیک، ناکامی احتمالی حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند اعتماد به نفس ایران را در مذاکرات آینده افزایش دهد، به‌ویژه با توجه به اینکه «بیرونی‌باز» گزارش داده ایران تأسیسات مخفی دیگری دارد که هدف حملات قرار نگرفته‌اند.

اما آیا ناکام ماندن در نابود کردن کامل تأسیسات هسته‌ای ایران، آمریکا را به سمت دیپلماسی واقعی سوق خواهد داد، یا تنها‌ها را به یک درگیری گسترده‌تر منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد؟

تأسیسات ایران، نه‌تنها محدودیت‌های فناوری نظامی آمریکا را نشان می‌دهد، بلکه برتری مهندسی ایران در ساخت تأسیسات مقاوم را برجسته می‌کند. این موضوع می‌تواند اعتماد به نفس ایران را در مذاکرات آینده افزایش دهد، زیرا تهران نشان داده که حتی در برابر قوی‌ترین تسلیحات آمریکا آسیب‌پذیر نیست. آیا این ناکامی، آمریکا را به بازنگری در استراتژی نظامی خود وادار یا به تشدید تنش‌های منطقه‌ای منجر خواهد شد؟

استحکامات زیرزمینی ایران: مهندسی پیشرفته در برابر تسلیحات آمریکا

تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه فرود و نطنز، در عمق کوهستان‌ها و با استفاده از بتن‌های فوق‌مستحکم ساخته شده‌اند. به گزارش آسوشیتدپرس، تأسیسات هسته‌ای ایران در رشته‌کوه‌های زاگرس مرکزی در عمقی قرار داشت که حتی حملات سنگرشکن ایمن نکرد. بی‌بی‌سی جهانی نیز به نقل از رابرتز گزارش داد که ایران با استفاده از بتن‌های تقویت‌شده با الیاف فولادی، که در برابر زلزله و ارتعاشات ناشی از بمباران مقاوم هستند، توانسته تأسیسات خود را در برابر حملات سنگرشکن ایمن کند. بی‌بی‌سی جهانی نیز به نقل از کارشناسان گزارش داد که تونل‌های فرود در عمق ۸۰–۹۰ متری ساخته شده‌اند، در حالی که بمب‌های GBU-۵۷ تنها تا ۱۸ متر در بتن تقویت‌شده نفوذ می‌کنند.

منابع مستقل از جمله مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده‌اند که اطلاعات دقیقی درباره میزان نفوذ بمب‌ها به تأسیسات ایران ندارند، که نشان‌دهنده ابهام در ارزیابی خسارات است. واشنگتن پست نیز گزارش داد که مقامات ایرانی معتقدند خسارات وارده‌شده به تأسیسات هسته‌ای محدود بوده و برنامه هسته‌ای همچنان فعال است. این درحالی است که استحکامات زیرزمینی ایران، به‌ویژه استفاده از بتن هوشمند (UHPC) و طراحی تونل‌های عمیق، نتیجه سال‌ها تجربه مهندسی در یک کشور زلزله‌خیز است. این فناوری، که اکونومیست آن را «برتری ایران در جنگ خاموش با بمب‌های سنگرشکن» توصیف کرد، توانایی ایران در حفاظت از تأسیسات کلیدی را نشان می‌دهد.

چه آنکه انتقال احتمالی اورانیوم غنی‌شده و سانتریفیوژها به مکان‌های مخفی نیز، نشان‌دهنده استراتژی پیش‌دستانه ایران

به نقل از چهار منبع آگاه منتشر کرد، نشان می‌دهد که بمب‌ها نتوانستند اجزای اصلی برنامه هسته‌ای ایران، به‌ویژه در فرود (واقع در عمق ۸۰–۹۰ متری)، را نابود کنند و تنها پیشرفت ایران را چند ماه به تأخیر انداختند.

بی‌بی‌سی جهانی نیز به نقل از دی‌راسالار مارک مِلِت، رئیس سابق نیروهای دفاعی ایرلند، گزارش داد که اثربخشی بمب‌های سنگرشکن به میزان تقویت تونل‌های زیرزمینی بستگی دارد و ایران از فناوری بتن هوشمند (UHPC) برای استحکام تأسیسات خود استفاده کرده است. این در حالی است که آژانس کاهش تهدیدات دفاعی آمریکا (DTRA) اعلام کرده‌است که هنوز داده‌های دقیقی درباره میزان خسارت وارده‌شده ندارد و تأیید نفوذ بمب‌ها به عمق موردنظر ممکن نیست.

واشنگتن پست نیز به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکا گزارش داد که مقامات ایرانی حجم خسارات را کم اهمیت دانسته و خبر داده‌است که احتمالاً ذخایر اورانیوم غنی‌شده به مکان‌های دیگر منتقل شده‌اند. بمب GBU-۵۷A/B، با وزن ۱۳٫۶۰۰ کیلوگرم و توانایی نفوذ تا ۶۰ متر در بتن معمولی، برای تخریب تأسیسات زیرزمینی طراحی شده است، اما محدودیت‌های آن در برابر بتن‌های تقویت‌شده با الیاف فولادی و تأسیسات عمیق‌تر از ۸۰ متر آشکار شد. چه آنکه ایران از دهه ۲۰۰۰ فناوری بتن هوشمند را توسعه داده که حتی در برابر بمب‌های پیشرفته آمریکا مقاومت می‌کند. این فناوری، که نتیجه تجربه ایران در ساخت سازه‌های مقاوم در برابر زلزله است، تونل‌های فرود و نطنز را در ده‌هایی غیرقابل نفوذ تبدیل کرده‌است.

علاوه بر این، ایران پیش از حملات، بخشی از تجهیزات و اورانیوم غنی‌شده را از فرود به مکان‌های نامعلوم منتقل کرده بود، که این امر اثربخشی حملات را کاهش داد. عدم استفاده از بمب‌های سنگرشکن در تأسیسات اصفهان، که به جای آن با موشک‌های تاماهاک هدف قرار گرفت، نیز نشان‌دهنده محدودیت‌های لجستیکی آمریکا بود، زیرا این تأسیسات در عمق بیشتری قرار دارند. این ناکامی، با توجه به هزینه هر بمب GBU-۵۷، پرسش‌هایی درباره کارایی سرمایه‌گذاری نظامی آمریکا ایجاد کرده است.

این در حالی است که ناکامی بمب‌های سنگرشکن در نابودی

گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا، از جمله ارزیابی آژانس اطلاعات دفاعی (DIA)، نشان می‌دهد که بمب‌های سنگرشکن GBU-۵۷A/B MOP در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله فرود و نطنز، تنها چند ماه برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر انداخته و نتوانسته‌اند آن را نابود کنند. گزارشات اطلاعاتی آمریکا‌ها می‌چا می‌گوید؟

به گزارش خبرآنلاین حملات ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای کشورمان، که با استفاده از بمب‌های سنگرشکن GBU-۵۷A/B MOP و موشک‌های کروز تاماهاک انجام شد، به‌عنوان بزرگ‌ترین عملیات بمب‌افکن‌های B-۲ در تاریخ آمریکا و نخستین استفاده عملیاتی از این مدل بمب‌های سنگرشکن توصیف شده‌است. این حملات، که تأسیسات هسته‌ای کلیدی نطنز، فرود و اصفهان را هدف قرار داد، به ادعای دونالد ترامپ مبنی بر «نابودی کامل» برنامه هسته‌ای ایران همراه بود. با این حال، گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا، از جمله ارزیابی‌های فاش‌شده آژانس اطلاعات دفاعی (DIA) و اظهار نظر مقام‌های مختلف آمریکایی، نشان می‌دهد که این حملات تنها چند ماه برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر انداخته و نتوانسته‌است اجزای اصلی آن را نابود کنند.

مقام‌های ایرانی از جمله رئیس جمهور و وزیر امور خارجه در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود تأکید کرده‌اند که خسارات زیادی به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد شده‌است، اما از ارائه تصویری دقیق از میزان خسارات وارد شده و اینکه آیا تأسیسات مذکور، به ویژه تأسیسات زیرزمینی همچنان قابل استفاده هستند یا نه، خودداری کرده‌اند.

محدودیت‌های فنی بمب‌های سنگرشکن: ناتوانی در نفوذ به اعماق

حملات اول تیرماه ۱۴۰۴ (۲۲ ژوئن ۲۰۲۵) به تأسیسات هسته‌ای ایران، شامل استفاده از ۱۲ بمب سنگرشکن GBU-۵۷A/B MOP توسط بمب‌افکن‌های B-۲ در فرود و دو بمب در نطنز، و همچنین ۳۰ موشک کروز تاماهاک به نطنز و اصفهان بود.

این بمب‌ها، برای نفوذ به تأسیسات زیرزمینی با عمق ۶۰ متر در بتن معمولی طراحی شده‌اند.

اما ارزیابی اولیه آژانس اطلاعات دفاعی (DIA)، که سی‌ان‌ان

خبر	
سه شرط ایران برای مذاکره با آمریکا از زبان علی مطهری	
علی مطهری با اشاره به طرح استیضاح پزشک یان از سوی مخالفان دولت هم گفت: «این‌ها تندروی است. ممکن است انتقاداتی به آن مصاحبه ایشان با مجری آمریکایی وجود داشته باشد و انتظار داشته باشند که قاطع تر و تندتر صحبت کنند. ولی خود این موضوع هم با آقای رئیس جمهور قابل گفتگو است.» مشروح گفت و گوی علی مطهری، نماینده ادوار مجلس را در ادامه می‌خوانید: * آقای مطهری: باتوجه به این که در یک آتش بس بین ایران و اسرائیل هستیم، برخی تحلیلگران و حتی آقای پزشکیان هم از ضرورت دیپلماسی گفته‌اند. تحلیل شما چیست؟ باتوجه به این که یک جنگ دوازده روزه را پشت سر گذاشته ایم، آیا باید مذاکره کنیم؟ ما نباید اعلام کنیم که مذاکره نخواهیم کرد و میز مذاکره را ترک می‌کنیم. اما باید برای مذاکره، شروطی را قائل شویم. باتوجه به این حمله غافلگیرانه و ناجوانمردانه ای که انجام دادند و خسارتی که به ما وارد کردند، این که ما بدون پیش شرط وارد مذاکره شویم، با عزت و استقلال ما چندان سازگار نیست. به نظر من باید سه شرط را قرار دهیم. اولاً آمریکا باید الزام غنی‌سازی صفر را کنار بگذارد. ثانیاً ضمانتی به ایران بدهند که دوباره به تأسیسات هسته ای ما حمله نخواهند کرد و ثالثاً خسارتی را که طی این جنگ دوازده روزه به ایران وارد کردند جبران کنند. البته این خسارات را از آمریکا می‌خواهیم چون ما اسرائیل را کشور نمی‌دانیم و آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و از طرفی توجه آمریکاست. هروقت آنها این سه شرط را اجرا کردند، آماده مذاکره هستیم. ولی بدون هر گونه شرطی وارد مذاکره شدن، به نظر من با عزت ملت ایران سازگار نیست. * پس شما مذاکره بعد از جنگ را فعلایی می‌دانید؟ بله - اما با شروطی که عرض کردم. * باتوجه به صحبت‌های آقای پزشکیان با مجری آمریکایی، برخی از نمایندههای مجلس و چهرههای سیاسی می‌گویند نباید مذاکره کرد. به نظر شما این که نباید مذاکره کرد بر چه اساسی است؟ آیا مذاکره کردن به معنی پذیرفتن ذلت است؟ تحلیل شما از این عدم مذاکره چیست؟ اگر ما بخواهیم بدون مطرح کردن هر گونه شرطی مذاکره کنیم، به نظم کار عزتمندانهی نیست. ولی با شروطی که عرض کردم، به نظم مذاکره اشکالی ندارد. در آن صورت، هم ما مذاکره کرده‌ایم و هم عزت مردم را حفظ کرده ایم. * آیا معتقدید دیپلماسی به انسجام ملی کمک می‌کند؟ دیپلماسی و گفتگو همیشه راه‌گشاست. حتی در زمان جنگ هم ممکن است برقرار باشد. ولی باتوجه به این جنگ دوازده روزه که با نفاق و فریب ترامپ و نتانیاهو بر ما تحمیل شد، مذاکره با آمریکا بدون هر گونه شرطی کار درستی نیست. * در آن چند روز گذشته شاهد تهدید دولت و آقای پزشکیان از سوی برخی تندروها و مخالفان دولت هستیم. باتوجه به این که تصمیم گیری درمورد مذاکره از سوی کل نظام انجام می‌شود، تحلیل شما از این تهدیدها و این که آقای پزشکیان را به عدم کفایت سیاسی متهم می‌کنند چیست؟ آیا این مخالفت تندروها با دیپلماسی، منافع ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ انتقاد آنها به آقای پزشکیان برای این است که معتقدند در مصاحبه ای که با مجری آمریکایی داشتند، ایشان ملایم برخورد کردند و باید درباره آمریکا و ترامپ، قاطع‌تر صحبت می‌کردند. * اما درمورد مذاکره هم تهدید کردند که مجلس با دولت دور دیگری برخورد خواهد کرد. انتقاد این افراد به لحن ملایم ایشان در آن مصاحبه است. معتقدند که باید مواضع قاطع تری در مقابل آمریکا و رئیس جمهورش می‌داشتند. اگر انتقاد آن‌ها در همین حد باشد، مسئله مهمی نیست. ولی این که بخواهند موضوع را به سمت عدم کفایت سیاسی ببرند، کار درستی نیست. رئیس جمهور به عنوان مقام رسمی کشور، مواضی را اتخاذ می‌کند که راه دیپلماسی بسته نشود. یک رئیس جمهور نمی‌تواند مانند یک فرمانده نظامی در مصاحبه‌ها صحبت کند. * واکنش شما به کارزار استیضاح آقای پزشکیان و مطرح شدن عدم کفایت سیاسی ایشان چیست؟ این‌ها تندروی است. ممکن است انتقاداتی به آن مصاحبه ایشان با مجری آمریکایی وجود داشته باشد و اینکه انتظار داشته باشند که رئیس جمهور قاطع‌تر و تندتر صحبت کند. ولی خود این موضوع هم با آقای رئیس جمهور قابل گفتگو است. می‌توانند جلسه‌ای با رئیس جمهور داشته باشند و دلایل خود را مطرح کنند. نیازی به مطرح کردن مسائلی مانند استیضاح و عدم کفایت سیاسی نیست. مخصوصا در شرایط حاضر این کارها به نفع اسرائیل است.	

احتمال فروپاشی دولت آلمانی

ایجاد شد که وظیفه اصلی آن، بازبینی قضایی است و این قدرت را دارد تا قوانین مصوب را در صورت مغایرت با قانون اساسی آلمان بی‌اثر کند. دادگاه قانون اساسی آلمان قدرت مداخله و وظایف بیشتری نسبت به دستگاه‌های قضایی سایر کشورها دارد که به همین سبب، این نهاد آلمانی را به یکی از قدرتمندترین نهادهای قضایی در دنیا تبدیل کرده است.

بنابر گزارش بیلد، پانزده دقیقه بعد از شروع جلسه، «پنس اشپان» وزیر بهداشت آلمان و رهبر گروه پارلمانی دموکرات مسیحی می‌کند که حاوی همان محتوا بود. خود از حزب سوسیال دموکرات ارسال می‌کند و می‌گوید که «حزب دموکرات مسیحی قصد دارد انتخابات قاضی قانون اساسی را لغو کند». یک دقیقه بعد، «الارس کلینگبیل» معاون صدراعظم و وابسته به حزب سوسیال دموکرات، پیامکی از صدراعظم فریدریش مرشس دریافت می‌کند که حاوی همان محتوا بود. به نوشته نشریه آلمانی، از آن زمان تاکنون خشم در گروه پارلمانی سوسیال دموکرات حکم‌فرما بوده است، به‌ویژه خشم شدید نسبت به اشپان، زیرا او شخصاً پیشنهاد بروسویوس-گرنزفرد را تأیید کرد و به اعضای حزب اطمینان داد که

نشریه آلمانی در گزارشی درباره اختلاف نظر میان احزاب این کشور برای انتخاب قاضی جدید دادگاه قانون اساسی، آن را بحران صدراعظم آلمان خواند و خاطرنشان کرد که احزاب سیاسی در آلمان بیش از حد انتظار از یکدیگر فاصله دارند و این مساله می‌تواند به فروپاشی دولت آلمان به رهبری فردریش مرئس منجر شود. به گزارش ایستا، تنها پس از دو ماه از روی کار آمدن دولت جدید آلمان تحت رهبری «فردریش مرئس» صدراعظم این کشور، دولت ائتلافی آلمان به دلیل یک مسئله پرسنی روئین در حال فروپاشی است. شکست در انتخاب قضاات جدید دادگاه قانون اساسی نشان می‌دهد که احزاب دموکرات مسیحی/سوسیال مسیحی (CDU/CSU) و سوسیال دموکرات (SPD) بیش از حد انتظار از هم فاصله دارند. نشریه بیلد در این گزارش به تشریح جلسه روز جمعه در برلین برای انتخاب فردی به نام «فراوکه بروسویوس-گرنزفرد» ۵۴ ساله، نامزد حزب دموکرات مسیحی به‌عنوان قاضی جدید دادگاه قانون اساسی فدرال پرداخت و خاطرنشان کرد که خشم، بی‌اعتمادی و عدم اطمینان در میان آنها حاکم است.

دادگاه قانون اساسی فدرال طبق قانون اساسی آلمان و پس از جنگ جهانی دوم